



فیلم کوتاه «های کبی»



فیلم کوتاه «سرود کلنل»

سجاد مشتاق،

کارگردان فیلم «سرود کلنل»:

از قهرمان محوری فاصله گرفته‌ایم

پیداختن به شخصیت‌های تاریخی در سینما همواره با این چالش همراه بوده است که چگونه می‌توان از تکرار روایت‌های رسمی و قهرمان‌محور فاصله گرفت و به چهره کمتر دیده‌شده انسان‌ها نزدیک شد. فیلم کوتاه «سرود کلنل» به کارگردانی سجاد مشتاق و تهیه‌کنندگی محمد طهان نیز با همین رویکرد به سراغ یکی از چهره‌های مهم تاریخ معاصر ایران، کلنل محمدتقی خان پسیان، رفته است؛ اما نه برای بازسازی زندگی او، بلکه برای روایت داستانی انسانی در سایه حضور این شخصیت تاریخی. مشتاق در این گفت‌وگو از جریایی انتخاب این مقطع تاریخی، نقش موسیقی در روایت فیلم، ظرفیت‌های فیلم کوتاه در مواجهه با تاریخ و اهمیت طرح «قرار» برای آینده اکران فیلم کوتاه سخن می‌گوید.

در فیلم «سرود کلنل» چرا به سراغ برهه‌ای از زندگی کلنل محمدتقی خان پسیان رفتید؟

فیلم «سرود کلنل» درباره محمدتقی خان پسیان است، اما باید تأکید کنم که این شخصیت تاریخی بیشتر بهانه‌ای برای آغاز داستان بود تا موضوع اصلی فیلم. در مدیوم فیلم کوتاه امکان پرداخت کامل و چندلایه به شخصیت‌های بزرگ تاریخی وجود ندارد؛ به همین دلیل ما ناچاریم تنها سایه‌ای از آن شخصیت را وارد روایت کنیم و باقی داستان را بر اساس درام خودمان پیش ببریم. دلیل انتخاب محمدتقی خان پسیان نیز این بود که زندگی او ذاتاً واجد ظرفیت‌های دراماتیک فراوانی است. پیشینه نظامی، نوع نگاهش به جامعه و ویژگی‌های شخصیتی او برای هر فیلمساز، جذاب است. اما آنچه بیش از همه توجه مرا جلب کرد، علاقه عمیق او به موسیقی بود. اینکه یک چهره نظامی تا این اندازه با هنر، به‌ویژه موسیقی، ارتباط داشته باشد برای من بسیار جالب و الهام‌بخش بود و از همین نقطه ایده اولیه فیلم شکل گرفت.

فیلم شما به یکی از چهره‌های تاریخی ایران اشاره دارد. چه میزان پژوهش برای نگارش فیلمنامه انجام شد؟

اگرچه فیلم مستقیماً بازسازی زندگی محمدتقی خان پسیان نیست، اما تلاش کردم در مرحله نگارش، همه منابع مکتوبی را که درباره او وجود داشت مطالعه کنم. علاوه بر این، گفت‌وگوهایی نیز با برخی بستگان و آشنایان مرتبط با این شخصیت تاریخی داشتم که اطلاعات ارزشمندی در اختیارم قرار دادند. برای من مهم بود که هرچند فیلم قرار نیست یک زندگی‌نامه باشد، اما تصویر ارائه‌شده از این

مبتنی بر موقعیت‌های مینیمالیستی و تعداد محدود لوکیشن‌هاست، اما وقتی وارد فضای پلیسی می‌شویم ناچاریم از این قواعد فاصله بگیریم. در «تختی» با تعدد لوکیشن، فضاهای باز، صحنه‌های تعقیب و گریز، بدلکاری و جلوه‌های ویژه میدانی روبه‌رو بودیم که اجرای آن‌ها در مقیاس فیلم کوتاه بسیار دشوار است. برخی از صحنه‌ها فقط یک فرصت برای ضبط داشتند؛ زیرا محدودیت بودجه، امکانات و زمان اجازه تکرار نمی‌داد. به همین دلیل تمرین‌های فراوانی انجام شد تا در همان برداشت محدود بتوانیم به نتیجه مطلوب برسیم. خوشبختانه با تلاش همه اعضای گروه این اتفاق افتاد، اما بدون تردید تولید چنین فیلمی در قالب کوتاه با سختی‌های فراوان همراه بود.

فیلم کوتاه سال‌هاست تولید می‌شود اما کمتر وارد حافظه عمومی مخاطبان شده است. مشکل را در کجا می‌بینید؟

فیلم کوتاه علاوه بر اینکه یک مدیوم مستقل است، ماهیتی تخصصی‌تر و نخبگانی‌تر نیز دارد. این سینما معمولاً خلافت‌نور، جوان‌تر و تجربه‌گراتر از سینمای جریان اصلی است و اساساً برای مخاطب عام طراحی نشده است. با این حال فیلم‌های کوتاه ماندگار فراوانی در تاریخ سینمای ایران وجود دارد که در میان مخاطبان جدی سینما و فیلمسازان شناخته شده‌اند. بسیاری از ایده‌هایی که بعدها در قالب فیلم‌های بلند موفق دیده‌ایم، ریشه در تجربه‌های فیلم کوتاه داشته‌اند. بنابراین شاید حضور کمتر در حافظه عمومی به معنای کم‌اهمیت بودن این سینما نباشد، بلکه ناشی از ماهیت متفاوت آن است.

آیا اکران فیلم کوتاه در سینماها یک مطالبه واقعی از سوی مخاطب است؟

به نظر من هنوز نمی‌توان پاسخ قطعی به این پرسش داد. سال‌هاست که سینمای کوتاه بیشتر در فضای تخصصی و جشنواره‌های حضور داشته و کمتر وارد چرخه عمومی اکران شده است. طرح‌هایی مانند «قرار» می‌توانند به عنوان یک تجربه و آزمون جدی مورد ارزیابی قرار بگیرند تا مشخص شود آیا مخاطب عمومی نیز تمایل دارد فیلم کوتاه را روی پرده سینما دنبال کند یا خیر. برای قضاوت درباره موفقیت این طرح‌ها باید منتظر نتایج عملی آن‌ها ماند.

چرا فیلم کوتاه پس از چهار دهه فعالیت حرفه‌ای همچنان نیازمند حمایت نهاد‌های دولتی و شبه‌دولتی است؟

این مسئله فقط مختص ایران نیست. در همه دنیا سینمای کوتاه محل تجربه، آموزش و کشف استعداد‌های جدید است. فیلمسازان جوان وارد این عرصه می‌شوند، تجربه کسب می‌کنند و در نهایت استعداد‌های برتر به سینمای حرفه‌ای راه پیدا می‌کنند. به همین دلیل تقریباً در همه کشورهای نهاد‌های فرهنگی و دولتی از سینمای کوتاه حمایت می‌کنند. اتفاقاً در ایران ساختار نسبتاً منسجم و موثقی برای این حمایت وجود دارد. انجمن سینمای جوانان ایران طی سال‌ها توانسته چرخه‌های آموزش، تولید، توانمندسازی و معرفی استعداد‌ها را ایجاد کند. بسیاری از فیلمسازان شناخته‌شده سینمای ایران در بخشی از مسیر حرفه‌ای خود از ظرفیت‌های این انجمن بهره‌برده‌اند و من نیز خود را از دانش‌آموختگان همین مجموعه می‌دانم.

در پایان اگر بخواهید درباره طرح «قرار» نکته‌ای اضافه کنید، چه می‌گویید؟

به نظر من هنوز برای قضاوت نهایی درباره طرح «قرار» زود است. باید اجازه داد این تجربه ادامه پیدا کند و نتایج آن در عمل مشخص شود.

شخصیت بر پایه شناخت و پژوهش شکل بگیرد و از واقعیت تاریخی فاصله نگیرد.

چرا روایت این مقطع تاریخی را از زاویه دید یک سرباز در دسته موسیقی انتخاب کردید؟

اولین نکته‌ای که هنگام مطالعه زندگی محمدتقی خان پسیان توجهم را جلب کرد، تضادی بود که میان جایگاه نظامی او و علاقه‌اش به هنر وجود داشت. از یک سو با فردی مواجه هستیم که یکی از چهره‌های مقتدر نظامی تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود و از سوی دیگر شخصیتی را می‌بینیم که با هنر و به‌ویژه موسیقی آشنایی و علاقه جدی دارد. همین پارادوکس به جرعه اصلی داستان تبدیل شد. به نظرم بهترین راه برای ورود به این جهان، روایت از زاویه دید فردی بود که فاصله‌ای با قهرمان اصلی دارد. معمولاً وقتی به سراغ شخصیت‌های تاریخی می‌رویم، اگر خود آن شخصیت را در مرکز روایت قرار دهیم، خطر کلیشه و روایت یک‌سویه افزایش پیدا می‌کند. اما وقتی داستان را از نگاه فردی در حاشیه ماجرا تعریف می‌کنیم، امکان کشف چهره انسانی و کمتر دیده‌شده شخصیت اصلی بیشتر می‌شود.

موسیقی در «سرود کلنل» چه کارکردی فراتر از یک عنصر روایی دارد؟

موسیقی در این فیلم صرفاً ابزاری برای پیشبرد روایت نیست. در واقع موسیقی با مفهوم خودشناسی و شناخت جهان پیرامون پیوند خورده است. هرچه شخصیت اصلی فیلم، ظاهر، درک روشن‌تری از موقعیت و هویت خود پیدا می‌کند، ارتباط او با موسیقی نیز عمیق‌تر می‌شود. در ظاهر، موسیقی همان اجرای درست‌ن‌ها و انجام یک وظیفه است؛ اما در لایه‌های زیرین فیلم، به مسیری برای شناخت خویش‌تن تبدیل می‌شود. ظاهر برای آنکه جایگاه نهایی خود را در داستان پیدا کند، باید نسبت تازه‌ای با موسیقی برقرار کند و از همین مسیر به فهم عمیق‌تری از خود برسد.

پیداختن به تاریخ در قالب فیلم کوتاه چه ظرفیت‌هایی دارد که شاید در سینمای بلند کمتر دیده شود؟

فیلم کوتاه به دلیل ایجاز و تمرکز بالا، ناچار است خیلی سریع به اصل موضوع برسد. در این مدیوم جایی برای حاشیه‌روی یا توضیحات طولانی وجود ندارد. همین ویژگی باعث می‌شود روایت تاریخی نیز فشرده‌تر و متمرکزتر باشد. البته این مسئله هم فرصت است و هم تهدید. از یک سو امکان دارد روایت بیش از حد مستقیم و شعاری شود، اما از سوی دیگر اگر درست مدیریت شود، می‌تواند به خلق موتیف‌ها و نشانه‌هایی منجر شود که در مدت زمانی کوتاه، تصویری تأثیرگذار از یک دوره یا شخصیت تاریخی ارائه دهند.

طرح «قرار» انجمن سینمای جوانان را تا چه اندازه می‌توان کامی مؤثر برای ایجاد چرخه اکران فیلم کوتاه دانست؟

واقعیت این است که فیلم کوتاه همواره در مقایسه

با سینمای بلند شانس کمتری برای دیده شدن و بازگشت سرمایه داشته است. در این میان تنها بستر پیش‌روی بسیاری از فیلمسازان کوتاه تنها همین جشنواره‌هاست. به همین دلیل طرح «قرار» را اتفاقی مهم می‌دانم. این طرح فرصت دیده شدن فیلم‌ها را در فضای عمومی فراهم می‌کند و می‌تواند انگیزه فیلمسازان را برای ادامه مسیر افزایش دهد. فیلم کوتاه یک مدیوم مستقل است، نه صرفاً مقدمه‌ای برای ورود به سینمای بلند؛ بنابراین هر اقدامی که به دیده شدن آن کمک کند ارزشمند است.

اگر این مدل اکران استمرار پیدا کند، چه تأثیری بر تولید و اقتصاد فیلم کوتاه خواهد داشت؟

یکی از اتفاقات مثبتی که می‌تواند رخ دهد، شکل‌گیری فضایی برای نقد و بررسی جدی‌تر آثار است. معمولاً فیلم‌های کوتاه در قالب بسته‌های چند فیلمی نمایش داده می‌شوند و این هم‌نشینی باعث می‌شود آثار در کنار یکدیگر دیده شوند و مورد ارزیابی قرار بگیرند. از سوی دیگر، وقتی فیلمساز بداند فیلمش فقط برای جشنواره ساخته نمی‌شود و امکان نمایش عمومی دارد، انگیزه بیشتری برای تولید آثار بعدی پیدا خواهد کرد. این روند در بلندمدت می‌تواند به تقویت چرخه تولید نیز کمک کند.

به نظر شما چه نهادهایی باید در کنار انجمن سینمای جوانان برای تثبیت اکران فیلم کوتاه نقش آفرینی کنند؟

این موضوع نیازمند همکاری مشترک میان انجمن سینمای جوانان، فیلمسازان و سینماداران است. باید نوعی تعامل و همدلی میان این اضلاع شکل بگیرد تا فرصت‌های بیشتری برای نمایش فیلم کوتاه فراهم شود.

شاید امکان برابری کامل میان فیلم کوتاه و فیلم بلند وجود نداشته باشد، اما دست‌کم می‌توان سانس‌ها و زمان‌های مشخص را برای نمایش این آثار در نظر گرفت تا مخاطبان بتوانند با آگاهی و برنامه‌ریزی برای دیدن آن‌ها به سینما مراجعه کنند.

آیا تجربه اکران «قرار» می‌تواند الگوی تازه‌ای برای ارتباط مستقیم فیلمسازان جوان با مخاطبان باشد؟

قطعاً همین‌طور است. یکی از ویژگی‌های مهم سینمای کوتاه در سال‌های اخیر، شخصی بودن نگاه فیلمسازان بوده است. همین ویژگی باعث شده این مدیوم همچنان زنده، خلاق و تجربه‌گرا باقی بماند. وقتی فیلمساز جوان فرصت پیدا کند اثر خود را مستقیماً در برابر مخاطب قرار دهد، علاوه بر دیده شدن، بازخوردهای واقعی دریافت می‌کند و این مسئله می‌تواند به رشد حرفه‌ای او کمک کند. از این منظر، «قرار» می‌تواند آغازگر شکل تازه‌ای از ارتباط میان فیلمساز و مخاطب باشد.

صحبت پایانی

سینمای کوتاه در سال‌های گذشته به واسطه تلاش فیلمسازان جوان و حمایت نهاد‌هایی مانند انجمن سینمای جوانان ایران توانسته مسیر خود را ادامه دهد و استعداد‌های مهمی را به سینمای ایران معرفی کند. امیدوارم طرح‌هایی مانند «قرار» استمرار داشته باشند و به مرور بخشی ثابت از چرخه نمایش آثار سینمایی تبدیل شوند؛ چراکه هرچه فیلم کوتاه جدی‌تر گرفته شود، آینده سینمای ایران نیز غنی‌تر خواهد شد.

